**توسعه اقتصادی با باز تعریف مدیریت و مالکیت اجرای پروژه های کلان برای کشورهای در حال توسعه**

**مقدمه**

در توضیح توسعه اقتصادی نافزیگر[[1]](#footnote-1) 1395 معتقد است توسعه اقتصادی به رشد اقتصادی همراه با تغییرات در توزیع محصول و ساختار اقتصادی اشاره دارد. این تغییرات ممکن است، شامل بهبود در رفاه مادی نیمه فقیر تر جمعیت، کاهش در سهم کشاورزی و افزایش در سهم خدمات و صنعت در محصول ناخالص ملی، افزایش در تحصیلات و مهارت نیروی کار، و پیشرفت های فنی قابل توجه باشد که از درون کشور نشات می گیرد.

تودارو[[2]](#footnote-2) 1383 بر این باور است که اقتصاد توسعه دامنه وسیعی دارد. این علم علاوه بر اینکه به تخصیص کارای منابع تولیدی کمیاب موجود و به رشد مستمر آن در طول زمان می پردازد، با فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی و نهادی، چه عمومی و چه خصوصی که لازمه بهبود سریع حداقل با معیارهای تاریخی و وسیع زندگی توده های فقیر، بی سواد و گرفتار سوء تغذیه سرو کار دارد.

از نظر هایامی[[3]](#footnote-3) 1380 هدف نهایی اقتصاد توسعه باید درک فراگردی که طی آن گسترش های کمی متغیرهای اقتصادی نظیر سرمایه و نیروی کار با فرهنگ و نهادهای مرتبط با یک نظام اجتماعی که از رشد اساسی درآمد سرانه حمایت می کند، در تعامل باشد.

از نگاه نوبخت 1395 آمریکا و انگلستان در نتیجه فرایندی درونزا و بر مبنای پویش نهادهای غیر رسمی توسعه یافته اند.

تفاوت بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه به صورت موردی نشان می دهد همچنان که مدیریت های کلان پروژه ها، در کشورهای توسعه یافته در دست دو و نیم درصد افراد با استعداد بالا قرار دارد و اقتصاد را به جلو می برد در کشورهای در حال توسعه، دو و نیم درصد افراد کم استعداد هستند که مانع اصلی رشد و توسعه می باشند. این مقاله راه حلی برای برون رفت از این مشکل در کشورهای در حال توسعه ارایه می دهد.

**کلان پروژه ها در بخش های عمومی و خصوصی**

تصمیم گیری برای اجرای پروژه های کلان اقتصادی در بخش های خصوصی و عمومی، در سایه امنیت و تحت عوامل و شرایط مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صورت می گیرد. سرمایه گذاران بخش خصوصی پس از آگاهی از شرایط بازار، ملاحظات فنی و حساب سود و زیان، اولویت های سرمایه گذاری خود را انتخاب می کنند. در بخش دولتی نیز سرمایه گذاری ها عموما برای افزایش رفاه جامعه صورت می گیرد. دامنه وظایف دولت در کشورها، متفاوت است و در کشورمان ایران، دولت، در دامنه گسترده ای از فعالیت های اقتصادی حضور دارد و مالکیت و مدیریت بسیاری از پروژه هایی که انجام آنها توسط بخش خصوصی امکان پذیر است، را در اختیار دارد. اگرچه سال هاست برنامه ها و اقداماتی در جهت خصوصی سازی و واگذاری موسسات تحت مالکیت دولت به بخش خصوصی در جریان بوده ولی توفیقاتی در این زمینه حاصل نشده و در خصوص ماهیت خصوصی سازی موسسات و صنایعی واگذار شده، ابهام هایی وجود دارد و برخی معتقدند فقط مالکیت و مدیریت آنها، از یک نهاد عمومی به نهاد عمومی دیگری انتقال یافته و این موسسات در نردبان رشد و توسعه در پله های قابل قبولی از فناوری، قرار ندارند.

روند شکل گیری پروژه ها و مراحل بهره برداری و برنامه های توسعه، متاثر از قدرت با منشاء های مختلف است و این قدرت گاهی عامل رشد و زمانی مانع توسعه می باشد. قدرت مشروع به معنی توانایی دستیابی به اهداف یا پیش برد منافع، از طریق فرآیندهای برنامه ریزی و تصمیم گیری اعمال می گردد. منشاء قدرت، می تواند منبعث از نهادهای سیاسی، علمی، فرهنگی و مذهبی باشد. در اینجا منشاء قدرت برای مدیریت و اجرای پروژه ها، در دو نوع سیاسی و علمی خلاصه می شود و هر کدام به روشی بر پایه سنت و عرف حاکم بر جامعه اعتبار و سرمایه اجتماعی را پشت سر خود دارند.

پروژه های کلان اقتصادی معمولا هم توسط بخش عمومی و هم توسط بخش خصوصی، طراحی، ارزیابی، برنامه ریزی و اجرا می شود. به این صورت که ارایه یک خدمت و کالا، گاهی توسط بخش خصوصی و گاهی توسط بخش عمومی یا دولت و گاهی به صورت توامان صورت می گیرد. کالاها و خدمات ارایه شده از طریق مدارس، دانشگاه ها، بیمارستان ها، ورزشگاه ها، مکان های مذهبی و صنایع و مراکز تولیدی دولتی، توسط بخش خصوصی نیز قابل ارایه است. برای نمونه ارایه خدمات بهداشتی و درمانی از طریق بیمارستان های خصوصی نیز صورت می گیرد و مالکیت و مدیریت بیمارستان ها در اختیار بخش خصوصی است؛ نظارت عالیه برای افزایش کیفیت و قیمت گذاری بر عهد دولت می ماند. واضح است بازار توانایی نظارت را دارد به این صورت که در صورت پایین بودن کیفیت خدمات سهم بازار از دست می رود.

اقتصاد بخش عمومی، ویژگی های کالاها و خدمات عمومی و خصوصی را تعریف نموده، از جمله اینکه کالاهای عمومی، غیر رقابتی و تخصیص ناپذیر هستند. غیر رقابتی بودن به این معنی است که استفاده یک نفر، باعث محدودیت استفاده دیگران نمی شود و تخصیص ناپذیر بودن نیز به این معنی است که نمی توان در هنگام استفاده یک نفر از آن کالا یا خدمت، دیگران را مستثنی نمود. در نتیجه، این خصوصیات باعث می شود، کالاها و خدمات عمومی توسط دولت و کالاها و خدمات خصوصی توسط بخش خصوصی عرضه شود. تکنولوژی توانسته برخی از این ویژگی ها را تغییر دهد. برای مثال اینترنت و فیلتر کردن آن در بحث شبکه های مجازی، رسانه ها و وسایل ارتباطی می تواند محدودیت برای کسانی که بهای آن را نمی پردازند، ایجاد نماید. در عمل دولت به دلایل مختلف در اجرای بخشی از پروژه هایی که در مرز کالاهای عمومی و خصوصی قرار دارد، وارد می شود. سوال این است که مدیریت و مالکیت پروژه های اقتصادی که روی مرز ویژگی های عمومی و خصوصی قرار دارند، تحت چه مدیریتی قرار گیرد تا با مدل های رشد و توسعه سازگاری داشته باشد و بهره وری بیشتری برای جامعه ایجاد نماید.

**قدرت مدیریت با پشتوانه علمی و قدرت مدیریت با پشتوانه سیاسی**

برای توضیح قدرت مدیریت با پشتوانه علمی در مقایسه با مدیریت با پشتوانه سیاسی، نوعی کالا یا خدمت را در نظر گرفته می شود که هم توسط بخش خصوصی و هم توسط بخش دولتی قابل ارایه است. ساخت بیمارستانی برای ارایه خدمات بهداشتی را در نظر می گیریم. منشاء قدرت برای چنین پروژه ای می تواند منبعث از توان سیاسی یا توان علمی باشد. قدرت سیاسی موتور محرک ساخت پروژه های دولتی و قدرت علمی موتور محرک پروژه های بخش خصوصی محسوب می شود. این موضوع به این معنی نیست که قدرت سیاسی به پروژه های خصوصی کمک نمی کند یا قدرت علمی در خدمت بخش دولتی نیست.

سرمایه مورد نیاز برای ساخت پروژه های دولتی از منابع عمومی و از طریق بودجه ریزی دولتی تامین می شود و سرمایه مورد نیاز پروژه های خصوصی از طریق جذب منابع خصوصی صورت می گیرد. روش های جذب سرمایه نیز برای هر کدام متفاوت و گاهی مشابه است. مثلا هر دو می توانند از طریق عرضه سهام یا فروش اوراق مشارکت سرمایه های کوچک را جذب نمایند. واضح است مدیریت با پشتوانه علمی قدرت جذب کمک های انسان دوستانه یا نیکوکاری بیشتری دارد. هرچه کارآمدی و شهرت مدیران علمی بیشتر باشد و بهره افراد کم درآمد از خدمات مورد نظر بیشتر باشد میزان جذب کمک های نیکوکاری بیشتر خواهد بود.

در مورد جذب این کمک ها توسط دولت، میزان این کمک ها رابطه مستقیم با کارآمدی و رابطه معکوس با فساد در دولت دارد. به این معنی که هر چه فساد در دولت بیشتر و کارآمدی کمتر باشد امکان جذب کمک های انسان دوستانه کمتر است.

اکنون تفاوت دو نوع مدیریت برای پروژه های کلان در کشورهای در حال توسعه تصویر واضح تری از خود، نشان می دهد. مدیریت با پشتوانه علمی، بیشتر در بخش خصوصی بکار گرفته می شود و مدیریت با پشتوانه سیاسی بیشتر بخش دولتی را هدف قرار می دهد. مدیریت با پشتوانه علمی در اینجا شامل توان علمی، تخصصی، هنری، ورزشی و سایر توانمندی هایی است که شخص از طریق فعالیت های حرفه ای خود به دست می آورد و این توانمندی، سرمایه های اجتماعی قابل ملاحظه ای را جمع می کند و این سرمایه اجتماعی در مسیر ساخت و تولید یک کالا یا خدمت قرار می گیرد. جایگاه علمی یک دانشمند در کسب جوایز بین المللی یا جایگاه یک ورزشکار در مسابقات بین المللی و هنرنمایی یک هنرمند در عرصه های هنری، اعتبار مادی و معنوی قابل ملاحظه ای در اختیار نخبگان جامعه قرار می دهد تا از طریق آن بتواند حمایت های مادی و معنوی جامعه را به سمت اجرای یک پروژه بزرگ مدیریت نمایند. علمای مذهبی نیز از اعتبار خود در ساخت اماکن و مدرسه های مذهبی استفاده می کنند و فعالیت آنها نیز از نوع فعالیت علمی به حساب می آید.

**سرمایه های مورد نیاز پروژه ها**

سرمایه مورد نیاز طرح های عمومی با مالکیت و مدیریت دولت از طریق بودجه عمومی تامین می شود و تفاوت تنها در روش تامین مالی است. روش تامین مالی شامل اعتبار به صورت مستقیم از بودجه عمومی، وام و اعتبار، فروش سهم یا اوراق مشارکت یا سایر روش ها باشد. معمولا ردیفی در بودجه سالانه برای این پروژه ها تعریف می شود و اعتبار مورد نیاز در اختیار وزارت خانه یا سازمان مربوطه قرار می گیرد و مورد استفاده قرار می گیرد.

مقامات سیاسی مانند اعضای هیات دولت، استانداران، فرمانداران، نمایندگان مجلس و فرماندهان عالی رتبه نظامی و قضات و سایر مدیران صاحب قدرت در رده های متفاوت، برای انجام یک پروژه مانند ساخت یک سد یا نیروگاه برق یا بیمارستان یا باشگاه های ورزشی و رفاهی طرح های خود را پیشنهاد می دهند و در صورت تصویب و طی مراحل قانونی از اعتبارات ملی و بودجه کشور برای ساخت آن استفاده می نمایند.

برای اجرای طرح های بخش خصوصی، نخبه های علمی یا فرهنگی به صورت فردی یا از طریق ثبت بنیاد خیریه یا شرکت، نخبگان یا متخصصینی را دور خود جمع می کنند و بنای یک طرح، آغاز می شود. آنچه از پروژه های کوچک و متوسط توسط بخش خصوصی انجام می شوند، مد نظر این مقاله نیست و طرح های بزرگ مورد هدف است. یک طبیب پر آوازه یا یک هنرمند شهیر یا یک ورزشکار بین المللی می توانند مشاء ساخت یک مجموعه درمانی، فرهنگی یا ورزش باشند و علاوه بر دارایی های خود از سرمایه های اجتماعی استفاده نمایند.

ویژگی های این دو نوع مدیریت و پشتوانه های آن برای پیشرفت کشورهای در حال توسعه و این گزاره که فرآیند قدرت سیاسی یا علمی چگونه عمل می کند، قسمت مهمی از توسعه اقتصاد این کشورها را تشکیل می دهد. در کشورهای در حال توسعه برای انجام کارهای بسیار کوچک موانع و سدهای فراوانی وجود دارد، چگونه می توان رویاهای بزرگی را دنبال نمود. برای اینکه به عمق مسئله پی ببریم کافی است فقط روند احداث یکی از سدهای ذخیره آب که در سال های اخیر در کشور ایران ساخته شده است، مطالعه شود؛ آن وقت با محاسبه هزینه های اضافی ناشی از سوء مدیریت و وقت های تلف شده برای طراحی، تامین بودجه و تامین کالا، سختی کار برای انجام پروژه های بزرگ به خوبی نمایان می شود.

**سرمایه های انسانی و فیزیکی اجتماعی**

تمام سنت ها، عرف ها و مذاهب، نیکوکاری را تشویق و ترغیب می کنند. منابعی که از طریق انسان دوستی و نیکوکاری در سراسر جهان تامین می شود بسیار قابل ملاحظه است. این منابع توسط موسسات خیریه جمع آوری و برای کمک به نیازمندان، در هنگام وقوع حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله و برای کمک به آوار گان و جنگ زده ها مصرف می شود. چهره های علمی، فرهنگی، ورزشی و هنری و مقامات دولتی نقش مهمی در جمع آوری و هدایت کمک های انسان دوستانه دارند. بخشی از این کمک ها نیز قابل هدایت برای ساخت پروژه هایی که جنبه عمومی دارد مانند بیمارستان ها، مدارس، دانشگاه ها هستند. بنیان گذاران و مدیران این پروژه ها، نقش اصلی در هدایت این منابع برای تامین مالی بخشی از نیازهای این موسسات دارند. هرچه عملکرد این موسسات با انتظارات اهدا کننده کمک که اغلب حمایت به نیازمندان و رشد اجتماعی است، بیشتر باشد، میزان جمع آوری کمک ها نیز بیشتر خواهد بود. با این توضیح منبع اصلی تامین بخش زیادی از منابع مالی مورد نیاز برای بسیاری از کلان پروژه ها و آنهایی که جنبه عمومی دارد، کمک های انسان دوستانه است که اعتبار علمی موسسین این مراکز و کارایی و محرومیت زدایی پروژه ها نقش مهمی در جذب بیشتر آنها دارد.

مدیران و کارآفرینانی که می توانند کمک های انسان دوستانه را در مسیر تولید و رشد جامعه قرار دهند، کمک بزرگی به اقتصاد و برنامه های شکوفایی اجتماعی می نمایند. از این جهت که بسیاری از اهدا کنندگان کمک ها، تخصص لازم برای تبدیل سرمایه برای تولید ثروت را ندارند و این کارآفرینان هستند که توانمندی این کار را دارند.

در کشورهای در حال توسعه وسعت نیکوکاری و حمایت های انسان دوستانه به پروژه های با نفع اجتماعی قابل ملاحظه است و مدیریت با پشتوانه علمی می تواند این اعتبارات را به سمت پروژه های کلان عمومی با مالکیت و مدیریت خصوصی هدایت نماید. زمانی که قدرتی از این نوع، ظهور پیدا کند و در خدمت توسعه قرار گیرد، آغازی مبارک برای رشد شتابان اقتصادی خواهد بود و زمینه استفاده از کمک های بین المللی نیز به نحو بهتری فراهم می شود.

از طرفی اقتصاددانان همگی معتقد هستند تا بستر رشد اقتصادی فراهم نشود، اتفاق قابل دفاعی در سرعت بخشی به پروژه های کلان که موتور و محرک اصلی توسعه هستند، رخ نخواهد داد. نهادگرایان ارزش بالایی برای نهادهای اجتماعی در خدمت توسعه قایل هستند. در واقع آنچه محرک رشد و توسعه اقتصادی است، وجود سرمایه های انسانی قدرتمند برای اجرای ابر پروژه هاست. پروژه های بزرگ، خود نمونه های از پروژه های کوچک را پدید می آورد و در مسیر خود، دیوانسالاری و دستورالعمل های دست و پا گیر را جمع و شیوه های مدرن را جایگزین آنها می نماید. در پروژه های تحت مدیریت با پشتوانه علمی، قدرت برخاسته از اعتبار علمی و ذخیره سرمایه اجتماعی ناشی از آن در خدمت توسعه است. مدیران بزرگ، راه های سعادتمندی جامعه را از طریق دمیدن نیرو به کالبد طرح های کلان اقتصادی فراهم می کنند. روشنایی حاصل از این نوع مدیریت، اشتباهات نهفته در دستورالعمل ها را مرتفع می سازد و قدرت قانون و اثرات آیین نامه ها را در خدمت رشد قرار می دهد.

**زمان و مکان اجرای کلان پروژه ها و برنامه های توسعه**

در کشورهای در حال توسعه فرآیند انجام پروژه های عمرانی، بسیار طولانی است. برای صدور پروانه برای شروع فعالیت یک واحد تولید یا خدماتی، استعلام های زیادی از سازمان ها و مراکز دولتی صورت می گیرد تا مجوز نهایی صادر شود. تنوع و تکثر این استعلام ها فضای کسب و کار را تیره و کار را برای کارآفرینان دشوار می سازد. اگر برای نمونه به سازمان نظام کشاورزی برای اخذ مجوز یک طرح گل خانه ای مراجعه شود، زمان مورد نیازی که برای اینکار اعلام می شود، حداقل یک سال است. در این شرایط رویای ساخت مراکز بزرگ تولیدی و خدماتی که برای گوشه گوشه آن و ذره ذره آن نیازمند صدور مجوز و هماهنگی است چگونه خواهد بود؟ برای حضور قدرتمند در بازارهای جهانی که بر طرف نمودن موانع و به حداقل رساندن هزینه های اجتماعی و تعرفه ها لازم اگرچه با دشورای های فراوانی روبرو است. بسیاری از این موانع که از جنس صدور مجوز می باشند برای پروژه های دولتی از طریق قدرت سیاسی برداشته می شود و در مورد پروژه های خصوصی که در راس آن مدیریت علمی قرار دارد و انجام آن همراهی اجتماعی را به دنبال دارد به روش بهتر حل می شود. در مورد پروژه های دولتی با دستور مدیر ارشد و حواله بار مسئولیت، مشکل حل می شود ولی در مورد پروژه های خصوصی با پشتوانه اجتماعی مدیران میانی برای انجام کار دست به دامن استثنائات قانونی می شوند تا از این طریق مشکل را حل کنند و معمولا نیز حل می شود.

در مورد مکان یابی پروژه های دولتی، معمولا فشارهای سیاسی جای خود را به روش های علمی مکان یابی می دهد. اثبات این موضوع کار سختی نیست. پروژه های زیادی وجود دارد که ساخت آنها در کنار دریا، در اولویت است ولی این پروژه ها در مرکز و دشت و کویر با حداقل آب احداث شده اند. برای این پروژه ها تامین آب با دشواری مواجه است و محصولات آنها نیز باید با صرف هزینه بالا به سواحل دریا انتقال یابد. این مکان یابی های نادرست، منابع آب را نابود و کشاورزی را که در آن تولید محصولات راهبردی ضرورتی انکار ناپذیر است را با چالش روبرو ساخته است. یکی از عوامل مربوط به بحث نظارت بر پروژه های دولتی استفاده از بودجه های عمومی و دقت در مصرف بهینه اعتبارات است و متاسفانه در گردش منافع شخصی و حزبی و در چرخه وعده ها و فرصت های انتخاباتی و فشار های سیاسی و سایه ناشی از دوره های کاری و برکناری اثر گذاری آنها به کمترین حد می رسد.

مکان یابی پروژه های خصوصی تحت مدیریت علمی با حساسیت و با صرفه و صلاح صورت می گیرد. این پروژه ها در معرض رقابت هستند و عواملی که هزینه ایجاد می کنند تا حد ممکن حذف می شوند. نادرستی در انتخاب مکان یابی این پروژه معمولا ناشی از اشتباهات محاسباتی است.

**کارآفرینی**

اهمیت کارآفرینی در مرتبه ای قرار دارد که رسالت نسل سوم دانشگاه ها، توسعه بر اساس کارآفرینی تعریف شده است. دانشگاه های پیش رو در این زمینه پیوندهای عمیقی با مراکز تولید و خدماتی با مدیریت علمی و مالکیت خصوصی برقرار نمودند و توفیقات بسیاری از ایده های پژوهشی از طریق این پیوند بدست آوردند. بنابراین پروژه های خصوصی بزرگ با توان تولید یا استقراض فناوری در کنار دانشگاه ها زایش کارآفرینی را در پی دارد

استخدام و بکار گیر نیروی انسانی در مراکز دولتی بر اساس شایستگی ها نیست و شاخص های زیادی به صورت قانونی در جذب و بکارگیری نیروی کار وجود دارد که کار را برای جذب نخبه ها سخت می کند. از طرفی موانع زیادی برای ابتکار و ایده های جدید در مراکز دولتی وجود دارد. اگر چه انتظار بر این است که سرریز دانش از مراکز دولتی و عمومی صورت گیرد ولی با این حال تجاری نمودن دانش و کسب ثروت از دانش توسط بخش خصوصی کارنامه قابل قبولی دارد.

آنچه در مورد بحث کارآفرینی مهم است و در خصوص تولیدات دانش بنیان مصداق دارد، این است که ممکن است عمر این محصولات بسیار کوتاه باشد و با توجه به سرعت فناوری اطلاعات، دستیابی به آخرین تکنولوژی و کاربردهای آن چشم اندازهای بهتری پیش روی صنعت از هر نوعی قرار می دهد. این هشدار گویای این موضوع است که پروژه ها باید قدرت انحصاری خود را از طریق در اختیار داشتن آخرین فناوری ها حفظ کنند، در غیر این صورت در بازار رقابتی یا شبه رقابتی تحلیل می روند.

مراکز تولیدی و خدماتی با مدیریت علمی و مالکیت خصوصی در بحث کارآفرینی ناگزیر به استفاده از فناوری های جدید هستند و برای اینکه در بازار سهم خود را حفظ نمایند یا بر آن بیفزایند به کار گیری نخبه ها و دستیابی به تکنولوژی های برتر به این هدف کمک می کند. افزایش بهره وری و کارایی از طریق جذب نخبگان صورت می گیرد.

پروژه های کلان، دستاوردهای اقتصادی زیادی برای جامعه به همراه دارد. نبود این مجموعه ها یعنی صرف نظر کردن از بسیاری از فرصت های شغلی که از طریق آنها در داخل کشور بوجود می آید. بخشی از هزینه فرصت این پروژه ها شامل عدم بکار گیری سرمایه و نبودن فضای کسب و کار برای جامعه است.

**نتیجه گیری**

کشورها بسته به قوانین و مقررات و فرهنگ حاکم بر کشور و میزان سهم و نقش دولت در اقتصاد می توانند از دو نوع مدیریت و مالکیت دولتی و خصوصی استفاده نماید. در جایی که فشارهای سیاسی، طرح های اقتصادی را در جهت غیر بهینه، سوق می دهد و قوانین و مقررات در جلوگیری از فساد کارایی ندارد، مدیریت خصوصی با پشتوانه علمی توصیه می شود. برای طرح ها با پشتوانه علمی، زمینه جذب کمک های انسان دوستانه به نحو بهتری فراهم است. بهترین شاخص برای بیان کارایی این طرح های سهم این طرح ها از بازار آن کالا یا خدمت و میزان خدماتی است که براساس انتظارات کمک کنندگان به افراد کم درآمد صورت می گیرد.

در هر دو مدیریت میزان دانش افراد نقش مهمی در کارآمدی پروژه ها دارد. دولت ها بر اساس قوانین و مقررات و منافع حزبی و رقابت های انتخاباتی در یک سیستمی که نظارت درستی صورت نمی گیرد و در جایی که بودجه از منافع عمومی تامین می شود جذب نخبگان با دشواری همراه است. در صورتی که بقای طرح ها با مدیریت خصوصی در جذب نخبگان و بکارگیری آخرین فنآوری ها همراه است. بنابراین مدیریت با پشتوانه علمی برای پروژه های خصوصی رقیب قدرتمندی برای اجرای پروژه های کلان با ویژگی های کالاهای عمومی محسوب می شود.

آن شاعر بزرگ چنین سرود که "این چه حرفی است که در عالم بالاست بهشت\* هرکجا وقت خوشی رو دهد آنجاست بهشت." طرح های کلان اقتصادی بهشتی است برای اقتصاد یک کشور که همه مردم اعم از نخبگان، مدیران، سرآمدان علمی و فرهنگی، کارآفرینان، نیکوکاران، اقشار کم درآمد، جویندگان کار و همه و همه از آن لذت می برند.

دکتر امین عربی

عضو انجمن اقتصاد ایران

1. -Nafziger, E Wayne [↑](#footnote-ref-1)
2. -Todaro, Mikel P. [↑](#footnote-ref-2)
3. -Hayami, Yujiro [↑](#footnote-ref-3)